



نیروی ایمان امیرالمومنین (ع) در قلعه خیبر را از جا کند

بعد از کشته شدن مرحب، مردم یهود به داخل قلعه پناه بردند و امیرالمومنین در دژ را از جا کند آن را به عنوان سپر برای خود استفاده نمود؛ دری که هشت مرد جنگی مسلمان نتوانستند آن را حرکت دهند.

بعد از کشته شدن مرحب، مردم یهود به داخل قلعه پناه بردند و امیرالمومنین در دژ را از جا کند آن را به عنوان سپر برای خود استفاده نمود؛ دری که هشت مرد جنگی مسلمان نتوانستند آن را حرکت دهند.

خبرگزاری مهر - گروه دین و اندیشه: بیست و چهارم ماه رجب سالروز واقعه فتح قلعه خیبر توسط امیرالمومنین امام علی (ع) است. خیبر به عنوان آخرین پایگاه بزرگ یهودیان، برای حکومت اسلامی بسیار خطر آفرین بود. یهودیان خیبر هر روز دسیسه ها و اقدامات خود را بر ضد اسلام تکرار می کردند. مشرکان را به جنگ با مسلمانان فرا می خواندند و به دشمنان اسلام کمک های فراوانی می کردند و به یکی از محکم ترین پایگاه های مخالف اسلام تبدیل شده بودند. آنچه از استحکامات و آمادگی نظامی خیبر در گزارشات تاریخی وجود دارد، نشان می دهد یهود قصد حمله به مسلمانان را داشت، اما پیامبر به موقع واکنش نشان دادند. ابتدا نامه ای نوشت و ضمن پند و اندرز خواستار انعقاد پیمان عدم تعرض میان طرفین شد؛ زیرا آنان در پیمان نامه اولیه پیامبر با یهود حضور نداشتند و این پیمان نامه آن ها را شامل نمی شد.

اما ثروت سرشار و قلعه های مستحکم خیبر، که در سراسر عربستان نظیر نداشت و کثرت جمعیت و نفوذی که در میان قبایل عرب داشتند، یهودیان خیبر را چنان دچار سرمستی و غرور ساخته بود که حاضر نشدند با رسول خدا از راه مسالمت آمیز قرارداد بنویسند.

قلعه خیبر چه استحکاماتی داشت؟

خیبر دارای هفت قلعه محکم بود. هر قلعه ای برج مراقبت داشت که ساکنان به بیرون قلعه تسلط داشتند و می توانستند دشمنان را سنگ باران کنند، ولی مسلمان توانستند چند تا از این قلعه ها را فتح نمایند و در میان آن ها قلعه «وطیح و سلالم» مقاومت بیشتری داشتند و مسلمانان با بیش از ده روز جنگ نتوانستند آن ها را فتح نمایند و هر روز بدون نتیجه باز می گشتند.

ابتدا پیامبر پرچم را دست ابوبکر و عمر داد، ولی راه به جایی نبردند و پس از بازگشت از صحنه نبرد، با توصیف دلآوری و شجاعت فوق العاده رئیس دژ «مرحب» یاران پیامبر را مرعوب ساختند.

پیامبر اعظم افسران و دلوران سپاه را جمع کردند و فرمودند: «لَأُعْطِينَ الرَّايَةَ عَدَا رَجُلًا يُحِبُّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيُحِبُّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يَفْتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِ رِجْمًا لَيْسَ بِقَرَّارٍ؛ همانا فردا این پرچم را به مردی خواهیم داد که خدا و رسول را دوست دارد و خدا و رسول هم او را دوست دارند. خدا خیبر را به دست او می گشاید. او هرگز نمی گریزد.»

این جمله حاکی از فضیلت و برتری معنوی و شهامت آن سرداری است که مقدر بود فتح و پیروزی به دست او صورت بگیرد. شادی توأم با اضطراب در میان سپاه اسلام ایجاد شد که آن دلاور چه کسی است؟!

امام علی (ع) دچار درد چشم شدیدی بودند. سپاه نیز فکر نمی کرد درد چشم حضرت به زودی بهبود پیدا نماید، به همین خاطر در این اندیشه بودند، کسی غیر از امیرالمومنین پرچم را به دست خواهد گرفت اما وقتی پیامبر سراغ امیرالمومنین را گرفت امیدشان ناامید شد.

امیرالمومنین را به محضر پیامبر آوردند و ایشان آب دهان مبارکشان را به چشمان حضرت کشیدند و در حق ایشان دعا نمودند. چشمان حضرت شفا یافت و پیامبر پرچم را به دست ایشان داد و فرمود: «آن ها را ابتدا به اسلام دعوت کن و اگر نپذیرفتند به وظایفشان تحت لوای اسلام از جمله، پرداخت جزیه و خلع سلاح آشنا کن.»

حضرت وقتی به دژ رسید پرچم را بر زمین زد و سپس در دژ باز شد و برادر مرحب «حارث» بیرون آمد. لشکریان بی اختیار عقب رفتند اما امیرالمومنین بعد از چند لحظه جسد او را به زمین زد و در همان جا جان داد.

«مرحب» پهلوان یهود برای انتقام برادر خود بیرون آمد در حالی که غرق در سلاح بود و کلاهی از سنگ بر سر گذاشته بود رجز

می خواند و همه را به رعب و ترس و می داشت، اما امیرالمومنین قدمی عقب نکشید و این رجز را خواند: «أَنَا الَّذِي سَمَّيْتَنِي أُمِّي حَيْدَرَةَ ضِرْعَامُ أَجَامٍ وَ لَيْتَ قَسْوَرَةَ»؛ [۵] من کسی هستم که مادرم نام مرا حیدر گذاشته است. من شیر بیشه ی شجاعت و شیر نری تیراندازم.»

پس از رجزخوانی صدای شمشیرها و جنگ، وحشت عجیبی بر دل ناظران انداخته بود که ناگهان شمشیر امیرالمومنین بر فرق مرحب فرود آمد و سپر و کلاه و سر را تا دندان به دو نیم کرد.

کندن در خیبر

بعد از کشته شدن مرحب، مردم یهود به داخل قلعه پناه بردند و امیرالمومنین درب دژ را از جا کند آن را به عنوان سپر برای خود استفاده نمود؛ دری که بعد از جنگ، هشت مرد جنگی مسلمان نتوانستند آن را از جای خود حرکت دهند و حضرت در پاسخ به سنگینی آن فرمود: «من هرگز آن را با نیروی بشری از جای نکندم بلکه در پرتو نیروی خداوند و با قلبی مطمئن به روز قیامت و راضی از آن انجام دادم.» جنگ خیبر، تبلور گوشه ای از فضائل امیرالمومنین علیه السلام بود. حضرت در این جنگ، خدا و رسولش را خوشحال کرد و دوستان و دشمنان در حیرت شجاعت حضرت ماندند.